

بسمه تعالی

عنوان مقاله:

مبانی و اصول حکمرانی مطلوب از نگاه اسلام

حسین متفکر

چکیده

از آنجایی شکل گیری حکمرانی مطلوب اسلام از عناصر: حاکمیت مطلوب بعنوان عنصر جوهری، حکومت بعنوان ساختارهای و نهادهای مطلوب اعمال حاکمیت، مردم (امت) و سرزمین و جغرافیا شکل می گیرد در این پژوهشی پرسش اساسی این است که مبانی، اصول حاکمیت حکمرانی مطلوب (حاکمیت مطلوب) اسلامی کدامند؟ این تحقیق برای پاسخ به این سوال آغازین انجام می گیرد هدف تحقیق بنیادی بود چون بدنبال استخراج، استنباط و استنتاج مبانی از منابع اسلامی می باشد و از نظر روش تحلیلی و استنباطی و روش جمع آوری داده ها و اطلاعات کتابخانه و اسنادی و ابزار جمع آوری فیش سستی و الکترونیک و روش تجزیه و تحلیل استقرایی و نمونه تمام شماری منابع می باشد و نتایج نشان می دهد حکمرانی مطلوب اسلامی با مبانی هستی شناختی، جهان شناختی، خداشناختی، انسان شناختی، جامعه شناختی، راه شناختی، ارزش شناختی، اسلام شناختی و غایت شناختی می تواند الگوی الهی برای حکمرانی مطلوب باشد

کلید واژه ها: مبانی، حکمرانی مطلوب، هستی شناختی، انسان شناختی، راه شناختی، غایت شناختی

۱- ادبیات تحقیق

واژه مبانی جمع مبنا و در لغت به معنای بنیادها، شالوده ها، بنیان و اساس آمده است و در اصطلاح علوم انسانی نیز به معنای نزدیک با معنای لغوی استعمال شده است و در هر علمی به معنای بنیان، اساس و پایه های اصلی آن علم به کاررفته است و کلیه اطلاعات و اندیشه هایی است که دین راجع به ماهیت و طبیعت بشر و نحوه ارتباط او با خدا، طبیعت، اجتماع و خویشانش ارائه کرده است، مبانی از هست ها سخن می گویند و با مبانی از «چگونه چیزی هست» مطلع می شویم (متفکر، ۱۳۹۷) و حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور میان شهروندان و حاکمان است.

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع

«حکمرانی خوب» است. این موضوع، به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و

نهادینه سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. موضوع محوری حکمرانی خوب، چگونگی

دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه ساز توسعه ای عادلانه و مردم سالار باشد. در این نگاه، ماهیت

حکمرانی با تسلط و اعمال قدرت تفاوت دارد و نوعی تنظیم گری تلقی می شود. اصطلاح حکمرانی خوب

برای اولین بار در سندی از بانک جهانی با عنوان "آفریقای زیر صحرا از بحران تا رشد پایدار" در سال ۱۹۸۹ مطرح شده است. منظور از حکمرانی خوب در این سند، اداره و تنظیم امور کشور و جامعه و رابطه دولت شهروندان بر اساسی دموکراسی (حق انتخاب مردم)، حاکمیت قانون، دستگاه قضایی مؤثر و قوانین عادلانه و همه گیر است. از جمله عواملی پیدایش نظریه حکمرانی خوب می توان مواردی از قبیل: افزایش بحرانی های مالی، تحول عملکرد اقتصاد جهانی و عملکرد اقتصادی کشورهای در حالی گذار را نام برد (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

حکمرانی مطلوب به عنوان ایده آلی مطلوب برای نظام های سیاسی مردم سالار، بدون ایجاد شفافیت در همه بخش های حاکمیت غیرممکن است. تضمین جریان آزاد اطلاعات و تقویت سازوکارهای نظارتی در ارکان مختلف نظام، حکومتی شیشه ای ایجاد می کند که جامعه را به سوی توسعه پایدار و نظام مطلوب پیش می برد. مفهوم «حکمرانی مطلوب یا حکمرانی خوب» (GOOD GOVERNANCE) «اصولاً در منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین الملل ایجاد شده و در سایه حمایت های سازمان ملل متحد پرورش یافته است. با این همه رویکرد حقوق بشر، به توسعه مفهومی است که در چند دهه اخیر به مرور در اعلامیه ها و اسناد بین المللی گوناگون توسعه پیدا کرده است. از نظر واژه شناسی، حکمرانی به واژه یونانی (KUBERNAN) به معنای هدایت یا اداره کردن برمی گردد که توسط افلاطون در ارتباط با نحوه طراحی نظام حکومتی مورد استفاده قرار گرفته است.

تعاریف بسیار متعددی برای اصطلاح حکمرانی ارایه نموده اند. در یک تعریف از این اصطلاح آمده؛ حکمرانی یعنی اداره کردن قواعد سیاسی رسمی یا غیررسمی یک بازی. حکمرانی اشاره به آن معیارهایی دارد که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در چهارچوب آن قواعد است اما درباره تعریف حکمرانی خوب (مطلوب) تعاریف متعدد و متفاوتی ارایه شده است، تعریفی که اتحادیه اروپا جهت این اصطلاح بیان می کند این است که حکمرانی خوب، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است». در تعریفی دیگر «حکمرانی خوب شامل احترام سیاستمداران و نهادها به حقوق بشر و اصول دموکراسی و حاکمیت قانون است. همچنین حکمرانی خوب به طور خاص به موضوع مدیریت منابع عمومی جهت ایجاد اقتصادی پایدار و شیوه های توزیع عادلانه مربوط می شود». تمامی تعاریف جهت تعریف حکمرانی بیانگر مفهومی وسیع تر از حکومت هستند. کاربرد جدید این واژه فقط شامل بازیگران و نهادهای دولت نمی شود؛ (پور آقایی، ۱۳۸۳، ش ۶۲: ۱۵۴) بلکه شامل سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی می شود. از این روی اصطلاح مذکور حکمرانی دولت را در برمی گیرد. اما با درگیر کردن بخش خصوصی و جامعه مدنی از آن فراتر می رود. هر سه آنها برای توسعه انسانی پایدار، ضروری هستند. دولت، محیط سیاسی و حقوقی مناسب به وجود می آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد ایجاد

می‌نماید و جامعه مدنی هم تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌نماید (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۲۸-۱۰۷)

وظیفه حکمرانی خوب نیز همکاری و هماهنگی هر چه بیشتر برای این سه بخش با یکدیگر است. از همین روی در اعلامیه اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ اعلام شده به این که: «دموکراسی، حکمرانی و مدیریت شفاف و پاسخگو در همه بخشهای جامعه، بنیان حیاتی و ناگزیر برای حقیقت بخشیدن به توسعه پایدار اجتماعی و انسانی است». همچنین حکمرانی خوب، شرط اساسی دستیابی به اهداف توسعه هزاره» بیان شده است. اهداف هشت گانه برای دستیابی به توسعه و کاهش فقر که امید می‌رود تا سال ۲۰۱۵ میلادی تحقق یابند عبارتند از: ریشه‌کنی فقر شدید و گرسنگی، تحقق آموزش ابتدایی همگانی، ترویج برابری جنسیتی و توانمندی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود بهداشت مادران، مبارزه با ایدز و ویروس HIV، مالاریا و دیگر امراض تضمین حفاظت محیط زیست، توسعه مشارکت جهانی، برای توسعه شرط اساسی تحقق تمامی این موارد حکمرانی خوب است (مطهری، ۱۳۶۸).

در این اعلامیه بر ارزش‌های بنیادین در روابط بین‌المللی شامل آزادی، برابری، همبستگی، بردباری، احترام به طبیعت و مسوولیت مشترک تاکید شده و سپس هدفهای اصلی کشورها در این اعلامیه بیان شده است که یکی از این اهداف حقوق بشر، دموکراسی و حکمرانی خوب است.

اما در خصوص ویژگی‌های اساسی حکمرانی خوب، کمیسیون حقوقی سازمان ملل، طی قطعنامه شماره (۲۰۰۰/۶) این ویژگی‌ها را بدین شرح برشمرد: شفافیت (Transparency)، مسوولیت (Responsibility)، پاسخگویی (Accountability)، مشارکت (participation)، حاکمیت قانون (THE Rule of LAW) و انعطاف پذیری. (Resposiveness) همچنین در قطعنامه بعدی کمیسیون مذکور (قطعنامه شماره ۲۰۰۰/۷۲) ضمن تاکید بر ویژگیهای بیان شده، حکمرانی خوب را به معنای مشارکت بیشتر به همراه پاسخگویی افزونتر معرفی نموده است.

ویژگی‌های حکمرانی خوب با اندک تفاوت‌هایی از دیدگاه‌های دیگری نیز مطرح شده است. کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (Un escap) هشت ویژگی را برای حکمرانی خوب برشمرده که عبارتند از: مشارکت‌جویانه، وفاق محور، پاسخگویی، شفافیت، انعطاف‌پذیر، کارآمد و مؤثر، منصفانه و عام و تابع حاکمیت قانون. همچنین حکمرانی خوب تضمین می‌کند فساد به کمترین میزان برسد و دیدگاه‌های اقلیت مورد توجه قرار گیرد و مشکلات اقشار آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ شود. حکمرانی مطلوب به نیازهای فعلی و آینده جامعه اهمیت داده و آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. (لنکرانی، ۱۳۷۳)

اصول و ویژگی‌های اساسی مربوط به حکمرانی مطلوب، جهانی و بین‌المللی هستند و تمامی کشورها و دولت‌ها را شامل می‌شود اما اجرای آنها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. از این جهت کشورها باید بتوانند گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی مطلوب مشخص و تعیین نمایند. از این جهت بکارگیری تجربه تاریخی کشورها بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزشهای بومی آنها که منعکس کننده واقعیت‌های روز است امری مهم و ضروری است. اصول بنیادین حکمرانی مطلوب که جهانی‌اند شامل احترام به حقوق بشر و حقوق زنان، رعایت اصل حاکمیت قانون، وجود فضای آزاد سیاسی، مشارکت، مدارا، تساهل و بردباری، پاسخگویی، شفافیت و کارآمدی و مؤثر بودن نظام اداری می‌باشد. مباحث مربوط به حکمرانی مطلوب بسیار گسترده‌اند از ارتباط تفکیک ناپذیر این اصطلاح با توسعه پایدار گرفته تا اثر بخشی مدیریت عمومی و... ادامه می‌یابد. این اصطلاح تعبیری جدید از مفاهیمی نظیر دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون بوده که با ارایه قالبی جدید تلاش در جمع‌آوری این ارزش‌ها بطور یکجا دارد. حکمرانی مطلوب، بیانگر توسعه حق بنیاد و انسان محور است.

از نظر برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت با ویژگی‌هایی همچون مشارکت جویی، شفافیت، پاسخ‌گویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون، و تعیین اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع‌تر، که در آن ندای ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷). از نظر اداره توسعه ایالات متحده آمریکا، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت دموکراتیک، شفاف، جمع‌گرا، مشارکت‌دهنده شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، نمایندگی از مردم، و پاسخ‌گویی که بر پنج مبنای تحکیم قانون‌گذاری، غیرمتمرکز و اداری حاکمیت محلی و دموکراتیک، ضد فساد، دارای روابط کشوری لشکری، و بهبود اجرای خط مشی تمرکز دارد (اداره توسعه ایالات متحده آمریکا، ۱۹۹۷).

نهادهای بین‌المللی و کارشناسان آنها برای حکمرانی خوب شاخص‌هایی ذکر نمودند تا از این طریق، کشورهای جهان را ارزیابی کنند که آیا حکم‌رانان کشورهای در حال توسعه، امور جامعه‌شان را بر اساس این الگو اداره می‌کنند یا خیر؟ اگر کشوری مطابق این شاخص‌ها عمل کند مطابق این الگو موفق بوده و در نتیجه، از کمک‌ها و حمایت‌های جهانی و نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، برنامه توسعه ملل متحد و صندوق بین‌المللی پول برخوردار می‌شود. اما اگر مطابق این شاخص‌ها عمل نکند از این حمایت‌ها و کمک‌ها محروم خواهد شد. بر اساس سندی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ توسط کافمن، کری و ماسترازی انتشار داد، حکمرانی خوب دارای شش شاخص است: پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، و کنترل فساد. بر اساس اعلام بانک جهانی، هر قدر کشوری به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد، آن کشور از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده، رشد بخش خصوصی مؤثرتری خواهد داشت. همچنین میزان مرگ و میر در آن کاهش و ورود سرمایه خارجی افزایش می‌یابد (پورآقایی، ۱۳۸۳). به عکس، هر قدر کشوری با این شاخص فاصله داشته باشد به همان اندازه رشد اقتصادی

کاهش خواهد داشت. چنان که ملاحظه می شود علت اصلی پیدایش نظریه حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی بوده است. بنا بر نظر برخی پژوهشگران حکمرانی خوب نقشه راهی است که کشورهای مسلط جهان و کشورهای غربی پیش روی کشورهای جهان سوم ترسیم کرده اند و حرکت روی این نقشه، تأمین کننده منافع کشورهای مسلط است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). بر این اساس آنها معتقدند که حکمرانی خوب و شاخص های آن، که توسط نهادهای بین المللی تعریف و تبیین شده است، نمی تواند الگو و برنامه ای متعالی برای پیشرفت و توسعه جامعه بشری، به ویژه کشورهای اسلامی، باشد. زیرا اولاً، حکمرانی خوب و شاخص های آن مبتنی بر جهان بینی مادی (همان، ۱۰۷: ۱۰۷) است، و ثانیاً، حکمرانی خوب و شاخص های آن در مقاطع مختلف تاریخی، عامل بحران های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظامی در غرب و جهانی پیرامون بوده است (همان). در حالی نهادهای غربی نسخه ای با عنوان حکمرانی خوب برای کشورهای نظیر ما می پیچند، که تاریخ اسلامی دو دوره درخشان حکمرانی الهی را در کارنامه دارد. در اسلام، دو حکومت یا حکمرانی مطلوب در دو دوره زمانی عینیت خارجی پیدا نموده است: یکی در دوره پیغمبر اکرم صل... علیه و آله و دیگری در دوره امیرالمؤمنین علیه السلام. در اسلام از حاکم جامعه اسلامی با عنوان ملک یا سلطان که معنای تملک و سلطه گری را در خود دارد یاد نشده، بلکه در آن با کلماتی مانند "امام" (پیشوا و رهبر) و "والی" روبرو هستیم. رهبر و امام کسی است که جامعه و امتی را به دنبال خود می کشد و خود پیش قراول و طلایه دار حرکت است. والی و ولایت متضمن معنای پیوستگی است. والی امت و رعیت، کسی است که امور مردم را بر عهده دارد و با آنها پیوسته است. حاکم در نگاه اسلام کسی است که در راس حکومت، ولی امر و متصدی کارهای مردم بوده و مکلف به تکلیفی الهی و مهم است. فردی از جامعه است که بیشترین و سنگین ترین بار مسئولیت بر روی دوش اوست. در سوی دیگر مردم قرار دارند که باید با همه ارزش های مادی و معنوی و آرمان هایشان مورد احترام قرار گیرند و دین و دنیای آنها با هم و در تعامل لحاظ شود (مطهری، ۱۲۸-۱۲۷). نگاه اسلام به حکومت نگاهی الهی است. نگاهی که با نگاه دنیامدارانه و قدرت محورانه تفاوت اساسی دارد. حضرت علی (ع) در آغاز حکومت خود دلیل پذیرفتن آن مسئولیت بزرگ را گرفتن حق ستمدیده از ستمگر برشمرده و آن را پیمانی می داند که خداوند از عالمان گرفته است: «سوگند به خدایی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده است که اگر انبوه آن جماعت نمی بود، یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی کرد، و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم کشان خاموشی نگزینند، افسار شتر خلافت را بر گردنش می افکندم و رهایش می کردم. (نهج البلاغه، دشتی: ۳۰)

بنابراین یکی از اهداف تشکیل حکومت و حکمرانی در اسلام، رسیدگی به حقوق محرومان و دفاع از مظلومان است. حضرت علی (ع) در جای دیگری انگیزه خود از پذیرش حکومت را چنین بیان می دارد: «پروردگارا! تو می دانی آن چه ما انجام دادیم، نه برای این بود که ملک و سلطنتی به دست آوریم و نه برای این که از متاع پست دنیا چیزی تهیه

کنیم، بلکه بدان سبب بود که نشانه های از بین رفته دینت را بازگردانیم و صلح و اصلاح را در شهرهای آشکار سازیم تا بندگان ستمدیده ات در ایمنی قرار گیرند و قوانین و مقرراتی که فراموش شده است، بار دیگر عملی شود (نهج البلاغه دشتی: ۱۷۵). بنابراین گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه (به خصوص احقاق حق افراد ستمدیده) و حاکمیت قانون از جمله اهداف حکومت امام علی (ع) می باشد.

در منطق اسلام امام و حکمران امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنها است و اگر قرار است یکی از این دو (حکمران و مردم) برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است، نه توده محکوم برای حکمران (مطهری: ۱۲۸). امام علی (ع) در نامه ای که در سال ۳۸ ه.ق برای مالک اشتر به مناسبت برگزیدن او به فرمانداری مصر نگاشته، یک منشور حکومتی ارائه کرده است که تمام اصول حکمرانی مطلوب در آن مشهود است. مواردی نظیر مردم گرایی، هشدار به ریختن خون ناحق، پرهیز دادن از خودپسندی، منت گذاری، شتاب زدگی و امتیازخواهی؛ توصیه به عفو و صلح میان مردم، شادی نکردن برای مجازات و شتاب نداشتن در خشم، خود را امیر ندانستن، قطع ریشه هر دشمنی، وادار نکردن اطرافیان به ستایش و تملق گویی، یکسان قرار ندادن نیکوکار و بدکار، خشکاندن ریشه هرگونه خودخواهی، چپاولگری و بی انصافی خواص و خویشان و اجتناب از خونریزی.

در نگاه اسلام حاکم، ولی امر و متصدی کارهای مردم است و مکلف به تکلیف الهی مهمی می باشد و مردم باید با همه ارزش های مادی و معنوی و آرمان هایشان مورد احترام قرار گیرند و دین و دنیای آنها با هم و در تعامل، ملاحظه شود. دیدگاه حضرت علی (ع) درباره حکومت: دنیا مدارانه و قدرت محورانه نیست، چرا که ایشان در خطبه ۳۰ دلیل پذیرفتن آن مسئولیت بزرگ را گرفتن حق ستمدیده از ستمگر شمرده و آن را پیمانی دانسته اند که خداوند از عالمان گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می دهد نظرات و عملکرد امام علی (ع) با شش مؤلفه مطرح شده تحت عنوان حکمرانی خوب از سوی بانک جهانی نه تنها منافاتی ندارد بلکه نکته حائز اهمیت در خصوص مؤلفه های حکمرانی از دیدگاه امام علی (ع) و بانک جهانی این است که تمامی مؤلفه های حکمرانی خوب از سوی امام علی (ع) به صورتی عملی اجرا شده است و تنها یک نظریه نیست.

نکته اساسی که میان نگاه اسلام به حکمرانی مطلوب و شاخص های مادی بانک جهانی تفاوت ماهوی ایجاد می کند، جنبه الهی حکومت داری است. در شاخص پاسخ گویی حکمران شایسته پاسخ گویی را به عنوان یک تکلیف پیش از هر چیز، در برابر خواسته های خداوند - تبارک و تعالی - می داند؛ زیرا در حکمرانی شایسته، باید همه حرف ها، عمل ها، برنامه ها، موضع گیری ها، جنگ ها، صلح ها، رابطه ها و قطع رابطه ها، بر مبنای رهنمود مکتب و الهام گرفته از دین باشد (نهج البلاغه، خ ۱۲۶). در شاخص قانونمداری، قوانین الهی سرلوحه کار قرار می گیرد و شخص حاکم، صرفاً مجری احکام الهی است؛ امام خمینی ره درباره این شاخص می فرماید: زمان امیرالمؤمنین (ع) هم قانون حکم می کرد، امیرالمؤمنین مجری بود. همه جا باید این طور باشد که قانون حکم کند؛ یعنی خدا حکم بکند، حکم خدا (موسوی

خمینی، صحیفه، ج ۱۱: ۱۷۱). خدا محوری در تعریف و تبیین شاخص شفافیت نیز نقش دارد؛ یعنی در تبیین شفافیت امور حکومتی نیز اراده خداوند نقش اساسی دارد. آنچه را خداوند دستور دهد که به صورت شفاف ابلاغ شود، حکم رانان در حکمرانی شایسته وظیفه دارند ابلاغ کنند، و اگر ابلاغ نکنند سرزنش می شوند. امام علی علیه السلام با توجه به این شاخص، می فرماید: بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ را، و کاری را بی مشورت شما نکنم، جز اجرای حکم خدا. حقی را که از آن شماست از موعد خود به تأخیر نیفکنم، و تا به انجامش نرسانم از پای ننشینم، و حق شما را به تساوی دهم (نهج البلاغه، خ ۵۰). کارایی و اثربخشی نیز بر اساس رعایت حدود الهی در حکومت داری شاخص سازی و تبیین می گردد. همچنین تخطی از قوانین الهی سرمنشا فساد تلقی شده و از هرگونه عمل خلاف شریعت اسلامی ممانعت به عمل می آید بنابراین، مفهوم حکومت و حکمرانی در اندیشه سیاسی اسلام هیچ گاه مقارن با تسلط و خودکامگی نیست بلکه این مفهوم، معنای مدیریت، امانت داری، خدمت گزاری و مهرورزی، هدایت و پاسداری از حقوق و آزادی های مردم را در خود دارد. و از آنجایی شکل گیری حکمرانی مطلوب اسلام از عناصر: حاکمیت مطلوب بعنوان عنصر جوهری، حکومت بعنوان ساختارهای و نهادهای مطلوب اعمال حاکمیت، مردم و امت و سرزمین و جغرافیا شکل می گیرد در این پژوهشی پرسش اساسی این است که **"مبانی حاکمیت حکمرانی مطلوب اسلامی کدامند؟"** این تحقیق برای پاسخ به این سوال آغازین انجام می گیرد هدف تحقیق بنیادی بود چون بدنبال استخراج، استنباط و استنتاج مبانی از منابع اسلامی می باشد و از نظر روش تحلیلی و استنباطی و روش جمع آوری داده ها و اطلاعات کتابخانه و اسنادی و ابزار جمع آوری فیش سنتی و الکترونیک و روش تجزیه و تحلیل استقرایی و نمونه تمام شماری منابع می باشد

پیشینه تحقیق:

نویسنده (منبع و سال)	عنوان مقاله
علی اصغر الهامی نیا (نشریه حصون، ۱۳۸۶)	درآمدی بر اجرای عدالت در حکومت مهدوی
اصغر افتخاری، محمد نوروزی، محمدمهدی ذوالفقارزاده (نشریه علمی - پژوهشی مشرق موعود، ۱۳۸۹)	نظریه امانت امام خمینی و چشمانداز انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه مهدویت
مجید حیدری نیک (نشریه علمی - تخصصی انتظار موعود، ۱۳۸۹)	عدالت، قرآن، مهدویت
محمدمهدی حائری پور (چهارمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱۳۸۷)	شاخصه های حکومت امام مهدی (عج) در قرآن و روایات و ادعیه
ولی الله نقی پورفر، علیرضا افضل (اندیشه مدیریت، بهار و تابستان ۱۳۸۷)	تصویرپردازی از ویژگیهای آینده موعود: به سوی الگوی قرآنی
غلامرضا گودرزی، محمدمهدی ذوالفقارزاده (اندیشه مدیریت، بهار و تابستان ۱۳۸۷)	تصویرپردازی از مدیران آینده

علی اصغر پورعزت (نشریه علمی - تخصصی انتظار موعود شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۱)	تجلی نام امام مهدی (عج) بر ساخت واقعیت آینده
محمد مهدی آصفی (بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عج، ۱۳۸۳)	انتظار پویا
علی اصغر پورعزت (فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۳، ۱۳۸۳)	شهر عدل امام مهدی (عج)، تجلیگاه تمام خرد و کمال هنر انسانی
علیرضا رجالی تهرانی (فصلنامه انتظار موعود، ش ۳۵، ۱۳۹۱)	پیشرفت اقتصادی در عصر حکومت مهدوی
مریم کریمیتبار (چهارمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت، ۱۳۸۷)	اهداف دولت زمینه ساز ظهور
فرزانه طالقانی (پنجمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت، ۱۳۸۸)	جامعه، دولت زمینه ساز و جهانی شدن
سید مهدی طاهری (هشتمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت، ۱۳۹۱)	نهضت حضرت روح الله (ره)، زمینه ساز حکومت حضرت بقیه الله (عج)
محی الدین حائری شیرازی (ماهنامه موعود، ۱۳۷۶)	آثار تربیتی انتظار
مجید حیدری نیک (فصلنامه علمی تخصصی انتظار، ۱۳۸۱)	نگاهی دوباره به انتظار
محسن پورسیدآقای، محمد فهمیده قاسم زاده، مهدی عمرانی (فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، ۱۳۸۹)	راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه ساز، بر اساس مدل SWOT
دکتر حامد پوررستمی (فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، ۱۳۸۹)	حکومت ولایی و زمینه سازی ظهور
علی اصغر پورعزت، میثم علی پور، علی اصغر سعدآبادی (نشریه مشکوٰه، ۱۳۹۳)	تصویرپردازی از جامعه عدل آینده در پرتو روایت تقلین
محمد هادی همایون (نشریه مشرق موعود، ۱۳۹۴)	ملک عظیم، مهدویت و تمدن در قرآن کریم،
محمد امین صادقی ارزگانی (ماهنامه معرفت، ش ۸۱، ۱۳۸۲)	سیمای مهدی (عج) از منظر عرفان اسلامی
محمد احسانی (ماهنامه معرفت، ش ۱۶۱؛ ۱۳۹۱)	زمینه سازی تربیتی مهدویت
محمد امین صادقی ارزگانی (ماهنامه معرفت، ش ۱۳۸۴، ۹۴)	مهدی (عج) و مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه
حمید فاضل قانع (نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، ش اول، ۱۳۸۸)	آینده پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی
جواد اکبری مطلق (نشریه معرفت سیاسی، ش ۱۳۹۱، ۸)	نقد و بررسی آرمان شهر افلاطون در پرتو مدینه فاضله مهدوی
علی اصغر خندان، مسلم امیری طبیبی (نشریه معرفت سیاسی، ش ۱۳۸۸)	درآمدی بر نقش فرهنگی دولت دینی
علی اصغر خندان، مسلم امیریطیبی (نشریه معرفت سیاسی، ش ۲، ۱۳۸۸)	وظایف اصلی دولت دینی در عرصه فرهنگ
فتح الله نجارزادگان (دو فصلنامه قرآن شناخت، ش ۱۳۸۹، ۲)	بررسی تطبیقی تفسیر آیة وعد (نور) ۵۵ از دیدگاه مفسران فریقین (با تأکید بر شناخت قوم

موعود)	
بررسی روایاتی درباره قیام پیش از ظهور حضرت مهدی(عج)	عبدالکریم عبدالهی (مجله مشکوٰه، ش ۱۳۸۲، ۷۹)
بنمایه های غیبت امام عصر در روایات	مهدی غلامعلی (نشریه علوم حدیث، ش ۱۳۸۸، ۵۳)
مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری	حسین سوزنچی (نشریه قبسات، ش ۱۳۸۳، ۳۳)
جهانی شدن و چشم انداز فرج: تأملی در ظرفیتهای جهانی شدن در فهم آموزه فرج	غلامرضا بهروزی لک (نشریه قبسات، ش ۱۳۸۳، ۳۳)
بررسی تحولات در خوانش از مفهوم «انتظار فرج» در دوران غیبت کبری	یونس دهقانی فارسانی؛ سید کاظم طباطبایی؛ حسن نقی زاده؛ حسن جلالی (نشریه مطالعات قرآن و حدیث، ش ۱۴؛ ۱۳۹۳)

شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار حکومت مهدوی بر اساس رویکرد استراتژیک	لطف الله فروزنده؛ اکبر بهمنی؛ مهدی صفیان؛ محمد هاشم امیری (نشریه - علمی پژوهشی مشرق موعود، ش ۱۹، ۱۳۸۱)
سیره مهدوی و دولت منتظر	رضا اسفندیاری (نشریه مشرق موعود، ش ۱۳۸۸، ۱۱)
راهبردهای اقتصادی تحقق فرهنگ و تمدن زمینه ساز	محمد داوود محمدی (نشریه پژوهشهای مهدوی، ش ۱۳۹۴، ۱۵)
جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل گیری تمدن نوین اسلامی، از دیدگاه امام خامنه‌ای(دام ظلّه)	حسن ملایی (نشریه پژوهشهای مهدوی، ش ۱۳۹۴، ۱۲)
نقش معرفت به امام زمان در تعالی اخلاقی منتظران و زمینه سازی ظهور	رضا نوروزی (پژوهشهای مهدوی، ش ۱۳۹۳۸، ۱)
آموزه انتظار و زمینه‌سازی ظهور	قنبر علی صمدی (نشریه مشرق موعود، ش ۱۳۸۸، ۱۱)
فرهنگ زمینه سازی ظهور	سیاوش حسن آبادی، جلال راعی (نشریه مطالعات راهبردی دفاعی، ش ۱۱۱، ۱۳۸۹)
فرهنگ انتظار و راهبرد زمینه‌سازی ظهور	حسین عساریان نژاد، سید مجتبی علوی (نشریه نگرش راهبردی، ش ۱، ۱۳۸۹)
آینده‌پژوهی در پرتو انتظار پویا با تاکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی	راضیه علی اکبری (فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۳۹۲، ۴۱)
نور مهدی، هدایتگری از فراسوی آینده	پورعزت، علیپور و سعدآبادی (فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۳۹۲، ۴۱)
تبیین نقش راهبردی فرهنگ در زمینه‌سازی ظهور	بهرام اخوان کاظمی (فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۳۸۹، ۱۳)
راهبردهای دولت زمینه‌ساز در توسعه پایدار طوع و رغبت مهدوی	حسن فیروزآبادی (فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۳۸۸، ۱۱)
غیبت، انتظار و حکومت	محمدعلی قاسمی (فصلنامه انتظار موعود ش ۱۱ و ۱۲، ۱۳۸۳)

نویسنده (منبع و سال)	عنوان کتاب
رحیم کارگر (انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، ۱۳۸۳)	آینده جهان؛ دولت و سیاست در اندیشه مهدویت
نجف لک زایی (موسسه پژوهشی انتظار نور، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵)	عدالت مهدوی تداوم رسالت انبیا
ابراهیم شفیعی سروستانی (انتشارات موعود عصر، ۱۳۸۸)	معرفت امام زمان و تکلیف منتظران
ابراهیم شفیعی سروستانی (انتشارات موعود عصر (چ ششم، ۱۳۸۸)	استراتژی انتظار (دوره سه جلدی)
مرتضی مطهری (انتشارات صدرا، ۱۳۷۱)	قیام و انقلاب امام مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ
مسعود کریمی بیرانوند (نشر معارف، ۱۳۹۴)	اهداف حکومت اسلامی
پور عزت و علیپور (انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲)	عدالت‌پژوهی در پرتو قرآن کریم
به کوشش مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم (انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵)	معارف مهدوی
محمد صدر (انتشارات نیک معارف، ۱۳۸۲)	تاریخ غیبت کبری (ترجمه)
رسول رضوی (مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴)	امام مهدی (عج)
رحیم کارگر (انتشارات دفتر نشر معارف، چ سوم، ۱۳۸۸)	مهدویت پیش از ظهور
مصطفی آخوندی (انتشارات معاونت آموزشی عقیدتی سیاسی نمسا، ۱۳۸۴)	نهضت انتظار ۲ سطح ۱
مؤسسه آینده روشن (انتشارات مؤسسه آینده روشن، از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵)	مجموعه آثار همایش بین المللی دکترین مهدویت
حسین اوسطی (انتشارات مشعر، ۱۳۸۶)	دوازده گفتار در باره حضرت مهدی (ع)
علی اصغر پور عزت (شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷)	مختصات حکومت حق مدار، در پرتو نهج البلاغه امام علی (ع)
آیت الله ناصر مکارم شیرازی (چ پنجم، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۸۶)	حکومت جهانی مهدی (ع)
قنبر علی صمدی (انتشارات کتاب جمکران، قم للمقدسه، ۱۳۹۴)	گفت‌مان جهانی مهدویت و آینده بشر
سیدمصصام الدین قوامی (انتشارات مهر فاطمه (سلام الله علیها)، قم ۱۳۹۳)	نگاهی به اصول مدیریت در حاکمیت اسلامی

بررسی های انجام گرفته نشان می دهد هیچکدام از منابع فوق بطور مستقیم به موضوع مبانی حکمرانی مطلوب اسلامی نپرداخته است

۲- مبانی نظری حکمرانی مطلوب اسلامی

بر اساس مدل زیر مبانی هستی شناختی، مبانی جهان شناسی، مبانی انسان شناختی مبانی معرفت شناختی، مبانی جامعه شناختی، مبانی ارزش شناختی، مبانی دین شناختی، مبانی راه شناختی و مبانی غایت شناسی آنها را برای

حکمرانی اسلامی از آیات قرآن و منابع و متون دیگر اسلامی می توان استخراج، استنباط و استنتاج کرد.



مبانی هستی شناسی حکمرانی اسلامی

هستی شناسی (Ontology) قلمرویی از دانش فلسفی است که موضوع اصلی آن تبیین چیستی و چرایی واقعیت وجود (بیان ماهیت هستی و علت غایی) آن است.

۱-۱ جهان هستی واقعیت دارد؛ ولی هستی به طبیعت منحصر نیست (انعام: ۱۰۲، نجم: ۲۶، ابراهیم: ۳۲، الرحمن: ۴۳ و ۴۶، عبس: ۳۲-۲۵؛ نور: ۴۵، صافات: ۶، نحل: ۶، الرحمن: ۱۵ و ۳۳، حجر: ۲۲، زمر: ۲، یس: ۳۴، ابراهیم: ۳۲؛ رعد: ۳)

۱-۲ خداوند مبدأ و منشأ جهان و یگانه مالک، مدبّر و رب حقیقی همه موجودات عالم است. (حشر: ۲۲، بقره: ۳ توبه: ۱۰، ارم: ۷، انعام: ۲۹، عنکبوت: ۶۵)

۳-۱ در حکمرانی اسلامی ویژگی ذاتی جهان (موجودات عالم امکان)، فقر و نیاز محض به واجب الوجود است. این فقر ذاتی سبب می شود موجودات نه تنها در پیدایش، بلکه در بقا نیز به ذات غنی واجب الوجود به طور ابدی محتاج بمانند

۱-۴ در حکمرانی اسلامی جهان هستی در عین وحدت، کثرت وجود دارد اما کثرتی غیر اصیل که در نهایت به وحدت باز می گردد (انعام: ۱۲؛ انبیاء: ۱۰۷؛ اعراف: ۱۵۶؛ انعام: ۱۰۲، ۱۶۴، ۵۴؛ رعد: ۱۶؛ زمر: ۶۲؛ مومن: ۶۲؛

حدید: ۱۰، ۴؛ فاطر: ۴۱؛ نحل: ۷۹؛ حجر: ۱۷؛ مجادله: ۷؛ بقره: ۱۱۵، ۲۵۵؛ شوری: ۵۳؛ سجده: ۱۴؛ طه: ۵۰؛ لقمان: ۳۰؛ ق: ۱۷؛ حدید: ۴؛).

۱-۵- در حکمرانی اسلامی آفرینش جهان هستی، غایتمند و خداوند غایت همه موجودات است (زمر: ۲۷؛ حجر: ۲۱-۲۲؛ عنکبوت: ۲-۳؛ روم: ۸؛ قیامت: ۳۶؛ جاثیه: ۲۴-۲۶؛ یونس: ۵-۱۶؛ اعلی: طه: ۴۹، ذاریات: ۶۵؛ بقره: ۴۶؛ و ۲۸۵؛ انشقاق: ۶؛ مائده: ۱۸؛ تغابن: ۳؛ احقاف: ۳؛ مومنون: ۱۱۵؛ انبیاء: ۱۶؛ دخان: ۳۸؛ زمر: ۵؛ حجر: ۲۱-۲۲؛ عنکبوت: ۳-۲؛ قیامت: ۳۶؛ یونس: ۶-۵؛ اعلی: ۳-۱؛ طه: ۵۰-۴۹؛ ذاریات: ۵۶)

۱-۶- در حکمرانی اسلامی خداوند خیر بنیادین هستی است و همه موجودات عالم را به سوی کمال شایسته آنها هدایت می کند. لذا تمام موجودات جهان هستی از هدایت الهی برخوردارند.

۱-۷- جهان آفرینش از نظام احسن برخوردار و اراده و سنن الهی بر جهان هستی حاکم است (طه: ۵۰؛ اعلی، ۲، ۳؛ فصلت: ۱۱، ۱۲؛ یس: ۳۸، ۴۰؛ نور: ۴۳؛ انعام: ۳۸؛ نحل: ۶۹، ۶۸، ۷۹؛ روم: ۳۰؛ الشمس: ۷، ۸؛

۱-۸- نظام علت و معلول و سبب و مسبب بر جهان هستی حاکم است. (الرحمن: ۳۶-۳۵، علم الهدی، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی در اسلام. المیزان، جلد ۷، ۴۵۴-۴۵۵)

۱-۹- جهان آفرینش دارای نظامی یک پارچه است سراسر آن آیت و نشانه علم و قدرت و حکمت و مهر نامتناهی خداوند است (همان)

۱-۱۰- در حکمرانی اسلامی عالم ماده و همه موجودات وابسته به آن وجود تدریجی و در زمان دارند و همواره در حال شدن و دگرگونی و حرکت مداوم اند.

۱-۱۱- در حکمرانی اسلامی جهان طبیعت و همه واقعیت های آن، اموری در حال تراحم، محدود، پایان پذیر و فناشدنی هستند (انبیاء: ۳۵، ۳۴؛ واقعه: ۶۰؛ نساء: ۷۸؛ جمعه: ۸؛ آل عمران: ۱۶۸، ۱۵۰؛ احقاف: ۳۶؛ مومنون: ۱۱۳۷؛ واقعه: ۶۱)

۲- مبانی جهان شناسی حکمرانی اسلامی

۲/۱- جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشت توحیدی دارد (الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت)

۲/۲- در حکمرانی اسلامی مراتب روحانی، مادی، دنیوی و اخروی اش، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداوند است

۲/۳- در حکمرانی اسلامی نظام علی - معلولی بر جهان حاکم است (الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت)

۲/۴- در حکمرانی اسلامی جهان مادی در طول عالم ماوراست و عوامل مؤثر در آن منحصر به علل مادی و طبیعی نیست.

۲/۵- جهان محل عمل و آزمایش و بستر تکامل و تعالی و یا سقوط معنوی اختیاری انسان است و بر اساس سنت‌های الهی به کردارهای آدمیان از جمله حکمرانی اسلامی واکنش نشان می‌دهد

۲/۶- خداوند جهان مادی را در خدمت انسان که امانتدار و آبادکننده آن است، قرار داده که در صورت بهره‌برداری کارآمد و عادلانه، تأمین‌کننده نیازهای او است. (انعام/، ۱۰۲، نجم/، ۲۶ ابراهیم/، ۳۲، الرحمن/، ۴۳، عبس/، ۳۲-۲۵؛ نور/، ۴۵ صافات/، ۶؛ نحل/، ۱۰۵، الرحمن/، ۱۵ و ۳۳ حجر/، ۲۲ رعد/، ۱۲، زمر/، ۲۱ یس/، ۳۴، ابراهیم/، ۳۲؛ رعد/، ۳ و)

۳- مبانی معرفت‌شناسی حکمرانی اسلامی

معرفت‌شناسی (Epistemology) قلمرویی از دانش فلسفی است که به بررسی معرفت می‌پردازد. پرسش‌هایی مانند امکان و ماهیت معرفت، حدود شناخت، ارزش شناخت، انواع و ابزار شناخت و ملاک صدق قضایا، محور اصلی آن را تشکیل می‌دهد. (بقره: ۷۳، نور: ۶۱، انعام: ۱۷-۱۹ و ۳۲، اعراف: ۱۶۹، یوسف: ۳ و ۱۰۹، قصص: ۶۰، رعد: ۳، نحل: ۱۲ و ۷۸، جاثیه: ۳-۶ و حج: ۴۶)

۳-۱- در حکمرانی اسلامی انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در هستی توانایی دارد شناخت آدمی با موانع و محدودیتهایی همراه است.

۳-۲- علم انسان دارای اقسام حقیقی و اعتباری است و مراتب و سطوح مختلف دارد.

بنابراین مفهوم گسترده، در مقام ارزش‌گذاری به علم و عالم هم باید انواع علوم تجربی و نقش غیرقابل انکار آنها در کشف واقعیات عالم و شناخت و حل مشکلات زندگی بشر همچنان مورد عنایت باشد و هم لازم است انواع معارف معتبر عقلی و نقلی (اعم از فلسفه و علوم دینی و سایر علوم انسانی) با توجه به نقش برجسته آنها در شناخت و هدایت واقعیات و حقائق مورد نیاز انسان، با عنوان «علم» شناخته شده و مورد تقدیر قرار گیرند.

۱. قال علی (ع): العالم حی وان کان میتاً (غررالحکم ودرر الکلم آمدی: ص: ۴۷)

۲. قال علی (ع): العلم جمال لایخفی (همان: ص: ۴۲)

۳. قال علی (ع): بالعلم تدرك درجة العلم (همان: ص: ۴۱)

۴. قال علی (ع): العلماء حکام علی الناس (همان: ص: ۴۷)

۵. قال علی (ع): من وقر عالماً فقد وقر ربه (همان: ص: ۴۷)

۶. قال علی (ع): اذا رأيت عالماً فكن له خادماً (همان:ص ۴۷)

۷. قال علی (ع): معرفة النفس انفع المعارف (همان:ص ۲۳۲)

۸. قال علی (ع): خير العلوم ما اصلحك (همان:ص ۴۶)

۹. قال علی (ع): العلم ينجد الحکمة ترشد (همان:ص: ۴۱)

۱۰. قال علی (ع): (علم لا يصلحك ضلال و مال لا ينفعک وبال (همان:ص ۴۶)

۳-۱- معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الامر) است. (نحل: ۷۸؛ طه: ۵۴؛ آل عمران:

۱۹۰؛ تکوین: ۷، ۵؛ انعام: ۷۵؛ نساء: ۱۶۴؛ شوری: ۵۱؛ قصص: ۷؛ یوسف: ۱۵ بقره/۲۴۲ و بقره/۴۴ و

۷۶؛ آل عمران/۶۵؛ انعام/۳۲؛ اعراف/۱۶۹؛ یونس/۱۶؛ هود/۵۱)

۴-۳- علم در عین کشف از واقع (از منظر معلوم)، محصول خلاقیت و ابداع نفسانی (از منظر عالم) است.

۵-۳- علم در عین ثبات (از منظر معلوم) دارای ویژگی پویایی از (منظر عالم) است

۶-۳- آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند و برای شناخت منسجم و

جامع واقعیات و حقایق جهان باید از همه آنها بهره گرفت و نمی توان از برخی به نفع دیگری دست برداشت.

۷-۳- در حکمرانی اسلامی انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، از توانایی تعقل (عقل ورزی) که در

شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش اساسی دارد، برخوردار است. (شهید مطهری، جهان

بینی اسلامی، ص ۵۰۳ و ۵۰۴) بهشتی، محمد، همان: ۲۹۶ و ۲۹۵)

۴- مبانی انسان شناسی حکمرانی اسلامی

انسان شناسی بخشی از مباحث هستی شناختی است که درباره انسان به عنوان یکی از عناصر

سه گانه هستی (خدا، عالم و انسان) بحث میکند. انسان شناسی فلسفی چیستی، چگونگی و

موقعیت انسان را در هستی مورد بحث و بررسی قرار می دهد

الف) واقعیت انسان و موقعیت او در هستی مبتنی بر حکمرانی

۱- در حکمرانی اسلامی انسان موجودی دارای فطرت الهی (معرفت و گرایش اصیل نسبت به خداوند)

است، که با اراده آدمی هم قابل فعلیت یافتن و شکوفایی است و هم می تواند به فراموشی سپرده شود، اما هرگز

نابود نخواهد شد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران)

۲- انسان دارای استعدادهای طبیعی قابل رشد و عواطف و تمایلات متنوعی است.

۳- انسان موجودی همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است.

۴- انسان موجودی آزاد (دارای قدرت انتخاب و اختیار) است،

۵- انسان توانایی شناخت جهان هستی و ابعاد مختلف آن را دارد.

۶- انسان همواره در موقعیت قرار دارد و می تواند آن را درک کند و تغییر دهد

۷- در حکمرانی اسلامی انسان موجودی اجتماعی است و شخصیت او تا حد زیادی در اجتماع و تحت شرایط محیطی ساخته و پرداخته می شود.

۸- در حکمرانی اسلامی انسان در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویای خود، نقش اساسی دارد.

۹- انسان با شناخت، باور، میل و اراده و عمل فردی و جمعی، در تغییر موقعیت، تکوین و تحول هویت فردی و جمعی و تعیین آینده و سرنوشت خویش و دیگران تأثیرگذار است.

۱۰- در حکمرانی اسلامی خداوند انسان ها را با وجود اشتراکات بسیار در استعدادها و علایق طبیعی، فطرتا الهی، بهره مندی از عقل و اراده و اختیار و.... دارای برخی خصوصیات متفاوت آفریده است. (مبانی نظری طرح تحول آموزش و پرورش)

ب) جایگاه شایسته آدمی در هستی مبتنی بر حکمرانی اسلامی

۱- انسان آفریده خداست؛ پس غایت زیست انسانی نمی تواند فارغ از غایت آفرینش باشد و غایت آفرینش انسان، باید با غایت آفرینش جهان هماهنگ باشد

۲- در حکمرانی اسلامی قرب الی الله مصداق اتم غایت زندگی انسان از منظر دین است و تحصیل همه کمالات مقدمه قرب به خدا و انسانیت انسان در گرو رسیدن به مراتب آن است. (همان)

۳- در حکمرانی اسلامی شرط اصلی قرب الی الله، تحقق توحید ربوبی در همه مراتب و ابعاد زندگی انسان است.

۴- در حکمرانی اسلامی تحقق حیات طیبه بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار ربوبی، تنها راه قرب الی الله است.

۵- در حکمرانی اسلامی تحقق حیات طیبه دارای ابعاد فردی و اجتماعی و دربرگیرنده شئون مختلف زندگی آدمی است.

۶- در حکمرانی اسلامی مراتب و ابعاد حیات طیبه را میتوان از منظر دینی مصداق همه مفاهیم و ارزشهای ناظر به غایت زندگی انسان، که قابل تحقق در زندگی دنیوی بشرند، دانست. (متفکر، ۱۳۹۷)

۷- یکی از ویژگیهای مهم حیات طیبه، توازن و اعتدال در ابعاد مختلف حکمرانی اسلامی است.

۸- مهمترین زمینه تحقق حیات طیبه در بعد فردی آن است که هر یک از افراد جامعه، آماده تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد شوند و مؤثرترین بستر تحقق حیات طیبه در بعد اجتماعی هم آن است که جامعه به لحاظ حیثیت جمعی خود (روابط و اوصاف متکی بر جمع) آماده تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه شود. (همان)

ج) نقش حکمرانی اسلامی در وصول انسان و جامعه به جایگاه شایسته خود در هستی

۱- در حکمرانی اسلامی باید زمینه شکوفایی فطرت الهی انسان را فراهم نمود؛ یعنی سعی شود تا این سرمایه ی ارزشمند خداداد، فعلیت یابد، تثبیت شود و تعالی پیدا کند.

۲- در حکمرانی اسلامی باید زمینه هدایت روند رشد استعدادها ی طبیعی و تنظیم عواطف و تمایلات انسان به گونه ای همه جانبه، متعادل و همسو با شکوفایی فطرت، در جهت غایت زندگی انسان (کمال وجودی او قرب الی الله) مهیا گردد. (همان)

۳- حکمرانی اسلامی باید در مسیر قرب الی الله، افراد جامعه را جهت تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد فردی و اجتماعی، بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی آماده ساخت تا زمینه اصلی شکل گیری و پیشرفت مداوم جامعه صالح بر همین اساس فراهم شود.

۴- حکمرانی اسلامی باید در راستای تحقق حیات طیبه، زمینه های لازم را جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی افراد جامعه، به منظور شکل گیری و تحول مداوم جامعه ای صالح بر اساس نظام معیار اسلامی، فراهم آورد.

۵- هر انسان برای تأثیرگذاری در روند تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی خویش باید موقعیت خود و دیگران را به درستی درک کند و آن را به طور مداوم بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی بهبود بخشد.

۶- در حکمرانی اسلامی هر انسان برای درک مناسب موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن بر اساس نظام معیار اسلامی، باید شایستگی های فردی و جمعی لازم را (نظیر تعقل، معرفت، ایمان، تقوا، انگیزه،

توانایی و مهارت) جهت انجام اعمال صالح فردی و جمعی کسب نماید.

۷- در حکمرانی اسلامی باید جمعی از افراد نسبتاً رشد یافته هر جامعه، به منظور هدایت دیگر انسان ها در مسیر قرب الی الله، زمینه های اجتماعی و هدفمند تکوین و تعالی پیوسته هویت آنها را فراهم آورند تا ایشان با کسب شایستگی های فردی و جمعی لازم، جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای اصلاح آن بر اساس نظام معیار ربوبی، زمینه ایثار اجتماعی را فراهم سازند (همان)

(د) مبانی انسان شناختی

۱-۴- انسان موجودی است مرکب از جسم و روح: دو حیثیت در هم تنیده و مرتبط. (مؤمنون: ۱۴؛ اسراء: ۸۵؛ حجر: ۲۹، ۲۸؛ روم: ۲؛ مؤمنون: ۱۲؛ طارق: ۷، ۶؛ آل عمران: ۵۹؛ صافات: ۱۱؛ انعام: ۲؛ حج: ۵؛ فاطر: ۱۱، ۱۰ سجده: ۹-۷)

۲-۴- حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می شود. (انعام: ۶۰؛ سجده: ۱۱، ۱۰؛ یونس: ۹۲)

۴-۳- انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است. (صحیفة نور، ج ۱، ص ۲۲۴)

۴-۴- انسان بر حسب فطرت و آفرینش، جویای همه مراتب کمال تا حد (بی نهایت) است (اصول کافی، ج ۲: ۱۳)

۵-۴- آفرینش انسان، هدفمند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است. (مقام معظم رهبری، کتاب مصاحبه ها، ۱۳۶۰: ۱۶۳)

۶-۴- سنت های الهی بر زندگی انسان حاکم است .

۴-۷- انسان هم کرامت ذاتی دارد و هم میتواند کرامتی اکتسابی به دست آورد و لذا این قابلیت را دارد که خلیفه خدا در روی زمین باشد.

۴-۸- در حکمرانی اسلامی همه انسانها، بر حسب آفرینش برابرند و از حقوق و تکالیف عادلانه برخوردارند.

۹-۴- در حکمرانی اسلامی خداوند توانایی ویژهای به نام عقل و خرد به انسان ارزانی داشته است (نساء: ۱ حجرات: ۱۳، بحار الانوار، ج ۳۴۸: ۲۲)

- ۴-۱۰- انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است که این آزادی و اختیار را خدا به او داده است. (انفال: ۲۲؛ یونس: ۱۰۰؛ ملک: ۱۱، ۱۰ و شهید بهشتی، شناخت اسلام، ص ۲۰۰، ابراهیم: ۳، رعد: ۱۱، کهف: ۲۹، دهر: ۲، نجم: ۴۰-۳۹؛ ابراهیم: ۲۲، ۳؛ رعد: ۱۱؛ کهف: ۲۹؛ انسان/ ۳)
- ۴-۱۱- انسان موجودی است دارای استعدادهای طبیعی متنوع و عواطف و تمایلات گوناگون که می توانند در هر جهت (مثبت یا منفی) فعلیت یابند و تأثیرگذار باشد (نهج البلاغه، نامه ۳۱، آل عمران: ۱۵۹؛ توبه: ۱۱۸)
- ۴-۱۲- در حکمرانی اسلامی انسانها، ضمن داشتن طبیعت و فطرت مشترک، دارای خصوصیات متفاوتند. (حدید: ۲۵، بقره: ۱۲۹، آل عمران: ۱۶۴ و جمعه: ۴.۲، نوح: ۴، ازخرف: ۳۲، روم: ۲۲، اسراء: ۸۴، انعام: ۱۶۵، نحل: ۷۱؛ نساء: ۳۲ بقره: ۲۸۵)
- ۴-۱۴- در حکمرانی اسلامی انسان همواره در «موقعیت» است و میتواند آن را درک کند و تغییر دهد
- ۴-۱۵- انسان در عین برخورداری از استعدادهای فراوان، دارای انواع محدودیت ها و مواجهه با بسیاری از تهدیدهای بیرونی و درونی است
- ۴-۱۶- انسان موجودی اجتماعی مبتنی بر حکمرانی اسلامی است. لذا هم وجود آدمی تاحدی قابل توجه از شرایط اجتماع تأثیر میپذیرد و هم می تواند با توسعه وجودی خویش، با دیگران ارتباط برقرار کند و اجتماع را تحت تأثیر خود قرار دهد.
- ۴-۱۷- آدمی در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویای خود، نقش اساسی دارد. معرفت، باور، میل، اراده، عمل (فردی و جمعی مداوم) و در نتیجه کسب صفات و توانمندی ها و مهارت ها، عناصر اصلی تکوین و تحول هویت حکمرانی اسلامی انسان اند.
- ۴-۱۸- هویت دو وجه فردی و جمعی دارد و در انواع و جنبه های مختلف از جمله حکمرانی اسلامی قابل تحقق است. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران)
- ۴-۱۹- انسان موجودی مکلف است و نسبت به انجام تکالیف خود، نخست در برابر خداوند و سپس در برابر خویشان و دیگران مسئولیت دارد.
- ۴-۲۰- آدمی برای نقش آفرینی در روند تکوین و تحول هویت خویش به دلیل وجود تهدیدهای بیرونی و درونی، نیازمند استعانت از خدای متعال و بهره مندی از راهنمایی و مساعدت انسان های رشد یافته است
- ۴-۲۱- در حکمرانی اسلامی خداوند، که مربی حقیقی آدمیان است، همواره مصادیقی از انسان کامل را، به مثابه

والاثرین اسوه های آدمی در مسیر هدایت آنان قرار داده و می دهد تا روند تکوین و تعالی هویت شان، با معرفت به این مصادیق و تولا و تأسی به ایشان، به وجه مطلوب، صورت پذیرد

۲۲-۴- در حکمرانی اسلامی برای انسان بعد از این دنیا، حیاتی بی پایان و ابدی شروع می شود که سراسر زندگی واقعی است. اما سرنوشت هرکس در این زندگی جاودانه و حقیقی، با معرفت انتخاب و عمل اختیاری خود او و در نتیجه با تکوین و تحول هویت وی در همین دنیا رقم می خورد (امام خمینی(ره) چهل حدیث، ۴۱۸: عنکبوت: ۶۴؛ بقره: ۱۱۰، ۲۷۲؛ نور: ۲۴؛ آل عمران: ۳۰؛ کهف: ۴۹؛ زلزال: ۸-۶؛ زمر: ۴۸؛ تکویر: ۱۲ و ۱۴؛ طور: ۱۶. نجم: بقره: ۱۵۶ و انبیا: ۹۳)

۵- اصول مراتب انسانی اصل یکم: جامعه انسانی. اصل دوم: حق مداری اصل سوم: حق محوری در جهان دانی، جهان داری و جهان آرای اصل چهارم: تمدن در آینه تدین. اصل پنجم: قانون شناسی منطبق بر تدین. اصل ششم: مشروعیت تاسیس اصل هفتم: برهان عقلی. اصل هشتم: کلیت و دوام (جهان شمولی). اصل نهم: منابع غنی و مبانی قویم. اصل دهم: معمور سازی محیط زندگی. اصل یازدهم: حکمت نظری و حکمت عملی. اصل دوازدهم: استواری خلقت بر علم حصولی و حضوری. اصل سیزدهم: بالندگی فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و زیست محیطی. اصل چهاردهم: جهان دانی، جهان داری و جهان آرای به نام حق ۰ (جوادی آملی، ۱۳۹۱) و) معیارها:

۱- انسان در قرآن

۱/۱- انسان جانشین پرورگار (بقره: ۳۰)

و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها و يسفك الدما و نحن نسبح بحمدك و نقدي لك قال اني اعلم ما لا تعلمون (۳۰) و علم آدم الاسما كلها ... (بقره ۳۱).

۲/۱- کرامت و ارزش و سعادت همگانی: انسان لقد کرّمنا بنی ادم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا (بقره: ۳۰)

۱) انسان دارای کرامت است (جلوه های کرامت):

- علم به اسماء: و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (البقره/۳۱)
- جانشین خدا بودن: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (البقره/۳۰)
- امانت داری الهی: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (الأحزاب/۷۲)

• تسخیر آنچه در زمین و آسمان است: وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ (الجاثیه/۱۳)

• بصیرت بر نفس خویشتن: بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (القیامه/۱۴)

۲) هدف از خلقت انسان تقرب به خدا: وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (الأنبياء/۱۶)

۳) انسان موجودی دو ساحتی: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۲۸/۱) فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (الحجر/۲۹)

۴) انسان موجودی فنا ناپذیر: يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ (هود/۱۰۵)

۵) انسان موجودی مختار: وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (الکھف/۲۹)

۶) انسان موجودی تکامل پذیر: يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمِلْإِيهِ (الانشقاق/۶)

۷) انسان موجودی مکلف: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (الأحزاب/۷۲)

۸) انسان دارای حقوقی است:

➤ حق حیات: وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (النساء/۹۳)

➤ حق کرامت: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (الإسراء/۷۰)

➤ حق مساوات: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (الحجرات/۱۳)

➤ حق آزادی: وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (الکھف/۲۹)

➤ حق تعلیم و تربیت: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (الجمعة/۲)

➤ حق مالکیت از دسترنج خود: وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (هود/۶۱)

۵/۱۵- مبانی جامعه شناسی حکمرانی اسلامی

۱-۵- جامعه به عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضا نیست ولی می تواند به بینش، گرایش، منش، توانش و کنش ارادی آنها جهت دهد و از افراد به ویژه نخبگان اثر پذیرد.

۲-۵- ساخت یافتگی حکمرانی اسلامی عمدتاً مبتنی بر فرهنگ است که به مثابه هویت و روح کلی جامعه در اجزاء و عناصر خرد و کلان آن حضور دارد.

۳-۵- جوامع با وجود پاره ای تفاوت ها، تحت تأثیر سنن الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر هستند. شماری از سنت های الهی حاکم بر جوامع و تاریخ عبارتند از: پیوند تحولات اجتماعی با نفس و اراده انسان؛ وفور نعمت در اثر تقوی، عدالت و استقامت؛ عذاب و کیفر جامعه در صورت گسترش ظلم، فساد، گناه و ترک امر به معروف

و نهی از منکر؛ امهال و استدراج و سلطه مؤمنان بر اهل باطل و تغییرات اجتماعی تحت تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناورانه پدید می‌آید.

۴-۵- جامعه دینی مبتنی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی از جمله حکمرانی اسلامی است جهت‌گیری تاریخ به‌سوی آینده‌ای پیشرفته در تمام ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان و تقوا و رهبری امام معصوم (ع) است.

۵-۵- پیشرفت حقیقی با هدایت دین اسلام، رهبری پیشوای الهی، مشارکت و اتحاد مردم و توجه به غایت پایدار تحقق کلمه الله حاصل می‌شود. (متفکر، ۱۳۹۷)

۶/۱۵- مبانی ارزش‌شناسی حکمرانی اسلامی

ارزش‌شناسی قلمرویی از مباحث نظری فلسفه است که چستی و چرایی و چگونگی ارزش‌ها را به شکل عقلانی مطالعه مینماید. در این حوزه، پرسش‌هایی از قبیل چستی ارزش‌ها و رابطه ارزش‌ها با واقعیت‌ها، ثبات و تغییر در ارزش‌ها و سلسله مراتب ارزش‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد. البته در اینجا مبانی ارزش‌شناختی فرهنگی اثار اجتماعی شامل گزاره‌های ناظر به تعیین مصادیق مهم‌ترین ارزش‌ها (از منظر اسلامی) و نحوه تحقق آنها نیز هست مقصود از مبانی ارزش‌شناختی در این مجموعه، مباحثی درباره ماهیت ارزش‌ها، نحوه درک و اعتباربخشی آنها و نیز بخشی از گزاره‌های مربوط به بیان مصادیق ارزش‌های معتبر و چگونگی تحقق آنها بر اساس نظام معیار مقبول در جامعه اسلامی (مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین حق یا سازگار) با آن است، که عموماً از حوزه فلسفه اخلاق و حکمت عملی با رویکرد اسلامی یا از منابع بیانگر نظام ارزشی و اعتقادی اسلام، به عنوان اصول موضوعه، اخذ شده اند اهم این مبانی را می‌توان به این شرح بیان نمود (متفکر، ۱۳۹۷)

۶-۱- اعتبار ارزش‌های حقیقی حکمرانی اسلامی بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن تکیه دارد.

۶-۲- اعتبار ارزش‌های حکمرانی اسلامی هم از طریق «عقل و فطرت انسانی» و هم با مراجعه به نظام «معیار دینی» معلوم می‌گردد.

۶-۳- ارزش‌های حکمرانی اسلامی انواع و مراتب مختلف دارند و به شکل سلسله مراتبی با غایت اصیل زندگی آدمی - یعنی قرب الی الله - ارتباط دارند. (المیزان، ج ۵، ۱۴)

۶-۴- در حکمرانی اسلامی ارزشمند دانستن هر عمل، هم تابع حسن فعلی و هم وابسته به حسن فاعلی است.

۶-۵- در حکمرانی اسلامی حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر بر اساس نظام معیار ربوبی است که با انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری این نظام معیار در همین زندگی دنیایی در جهت تعالی آن از سوی خداوند به انسان اعطا می شود و تحقق آن باعث دستیابی به غایت اصیل زندگی انسان، یعنی قرب الی الله خواهد شد.

۶-۶- در حکمرانی اسلامی حیات طیبه، مفهومی یکپارچه و کلی است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در برمی گیرد و شئون گوناگونی دارد که در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی، آن را محقق می سازند.

۶-۷- در حکمرانی اسلامی حیات طیبه مفهومی ذو مراتب است که برخی از مراتب نخستین آن مطلوب بالفعل همه انسان هاست و لذا باید تلاش برای تحقق حیات طیبه، از این مراتب آغاز گردد.

۶-۸- یکی از ویژگیهای مهم حیات طیبه، توازن و اعتدال در ابعاد مختلف آن از جمله حکمرانی اسلامی است.

۶-۹- تأسی به اولیای الهی و تولا و اطاعت از آنها و دشمنی با دشمنان راه خدا و اولیای خداوند، تنها راه تحقق کامل حیات طیبه در مسیر قرب الی الله است.

۶-۱۰- آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه، مهمترین زمینه تحقق این نوع زندگانی و تربیت است.

۶-۱۱- در حکمرانی اسلامی آزادی حقیقی انسان، در رهایی از همه موانع درونی و بیرونی رشد و تعالی انسان- نظیر وابستگی به شهوات و تمایلات نفسانی، پذیرش انواع ستم اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، تبعیت کورکورانه از هنجارها و سنت های غلط و اطاعت از حاکمیت طاغوت - و حرکت به سوی عبودیت خداوند است.

۶-۱۲- عدالت اساسی ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام معیار اسلامی و همچنین حکمرانی اسلامی است.

۶-۱۳- رأفت و احسان و گذشت و بخشش، مهمترین ارزش های متمم عدالت در حکمرانی اسلامی هستند.

۶-۱۴ - علم و عالم در تربیت نقشی بنیادی دارند (۲) علم در رأس فضیلت ها (۳)، ریشه همه خوبی ها (۴) هم نشین جدایی ناپذیر ایمان (۵)، چراغ عقل (۶) و مایه ارزش گذاری آدمیان در حکمرانی اسلامی است

۱۵-۶- زیبایی و هنر از نمودهای تعالی بخش حیات بشری و یکی از تمایلات فطری انسان در حکمرانی اسلامی است و ارزش زیباشناختی هم ناظر به واقعیت های عینی است و هم وابسته به ادراک فرد در حکمرانی اسلامی (بقره: ۵، احزاب: ۷۱، هود: ۱۰۸، ذاریات: ۵۶، نحل: ۳۶، انبیا: ۲۵، مؤمنون: ۲۳، بقره: ۳۲، آل عمران: ۱۵)

۱۶-۶- در حکمرانی اسلامی طبیعت و پدیده های طبیعی را، افزون بر ارزش ابزاری در جهت تحقق غایت زندگی، باید با نگرش نمادین، به مثابه آیاتی از حکمت، لطف و اقتدار الهی ملاحظه می گردد (مبانی نظری طرح تحول آموزش و پرورش)

۷- مبانی دین شناسی حکمرانی اسلامی

مراد از "مبانی دین شناختی" در اینجا آن دسته از گزاره ها هستند که با نگاهی درجه دو، صرفاً به مباحثی درباره دین (چیستی و چرایی دین، جایگاه دین در زندگی و نسبتی که انسان با آن دارد، نحوه فهم دین، قلمرو دین و ارتباط آن با سایر معارف) می پردازند مبانی دین شناختی حکمرانی اسلامی عبارتند از:

الف) مبانی:

۱-۷- دین حقیقت واحدی است که از سوی خدا برای هدایت بشر به سوی سعادت حقیقی و جاوید فرستاده شده است و شرایع توحیدی مصادیق متکامل آن محسوب میشوند؛ خاستگاه تربیت و مقصد دین حق (اسلام)، فطرت انسان و شکوفائی آن است.

۲-۷- دین اسلام، در راستای تحقق مراتب حیات طیبۀ انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی، نظام معیار مورد نیاز برای هدایت آدمی به سوی سعادت جاوید را در همه شئون زندگی تربیت ارائه می کند

۳-۷- دین برای تحقق حیات طیبۀ در همه ابعاد، ما را علاوه بر استفاده از تجارب متراکم بشری، به خلاقیت و ابداع و فعلیت بخشیدن به همه ظرفیت های فکری خویش در رابطه با تربیت فرا می خواند. (مائده: ۲ آل عمران: ۱۰۳، حجرات: ۱۰ مائده: ۸، بقره: ۱۸۸، نساء: ۲۹ و ۲؛ لقمان: ۱۷)

۷-۴- حوزه رهنمودهای نظام معیار دین حق (اسلام)، همه انسان ها در هر زمان و مکان و زبان آن جهانی است. لذا دین اسلام با دو ویژگی توأمان ثبات و پویایی، پاسخگوی نیازهای فرد و جامعه در زمینه هدایت انسان به سوی ساحت ربوبی است.

۷-۵- در دین اسلام و تربیت تفکیک دنیا از آخرت، فرد از اجتماع، جسم از روح و امور مادی از ارزش های معنوی، معنا ندارد و لذا تحقق کامل رسالت دین اسلام، افزون بر رشد همه جانبه افراد بر بنیان ارزش های دینی، مستلزم پیشرفت متوازن و همه جانبه جامعه صالح بر همین اساس است.

۶-۷- شناخت دین اسلام، علاوه بر فهم و تفسیر روشمند قرآن کریم، نیازمند بهره مندی از سنت معتبر پیامبر (ص) و معصومان (ع) و تکیه بر تبیین و تفسیر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) از حقایق دینی است.

۷-۷- اجتهاد، سازوکار فهم روشمند نظام معارف دینی و ارزش های مبتنی بر آن (هنجارها و احکام عملی شریعت) برای حرکت دین مدار انسان در چهارچوب اصول و ضوابط ثابت دین و متناسب با مقتضیات زمان و مکان است

۷-۸- معارف دینی، مجموعه ای است نظام مند، جامع نگر، پایا و پویا، با تلقی منظومه ای از حیات انسان، که بر پایه ی احکام عقل نظری و عقل عملی ست (تحت عنوان حجت باطنی)؛ و با تکیه بر قرآن و سنت معتبر، از طریق جریان اجتهاد، هدایت کننده عقل مولد و عقل ابزاری بشر و پذیرای نتایج و دستاوردهای معتبر آن هاست در رابطه با تربیت است.

۷-۹- دین اسلام، نویدبخش آیندهای روشن برای انسان-جامعه عدل جهانی- است که مستلزم تلاش جامعه صالح دینی جهت تأسیس تمدن نوین اسلامی براساس نظام معیار اسلامی است و تربیت نقش اساسی دارد

۷-۱۰- تأسیس و تداوم حکومت براساس معیارهای دینی، راهکار اصلی تحقق کامل نظام معیار اسلامی و مهمترین زمینه اجتماعی و سیاسی لازم برای عینیت یافتن حیات طیبه در همه ابعاد و مراتب است.

۱۱-۷- در حکمرانی اسلامی دینداری (تدین)، پویش خردورزانه و مداوم آدمی است برای وصول به مراتب حیات طیبه در همه ابعاد برمبنای ایمان آگاهانه و اختیاری به خداوند، زندگی اخروی و مضمون پیام هدایت رسولان الهی و با التزام عملی به نظام معیار دینی؛ لذا محصول این حرکت عقلانی انسان برای پاسخ گویی مثبت به دعوت الهی، با داشتن مؤلفه های متعدد و مراتب گوناگون در ابعاد فردی و جمعی از جمله تربیت قابل تحقق است.

۱۲-۷- دین حق در هدایت حرکت آدمی به سوی تحقق حیات طیبه، نه تنها هدف و مقصد، بلکه راه و روش وصول به مقصود را نشان می دهد: تحقق عینی و تام این هدف به لحاظ فردی در مصادیق انسان کامل - پیامبر(ص) و امامان معصوم (ع) آشکار می گردد و وصول به این مقصد(تحقق حیات طیبه) نیز برای همگان در قبول ولایت و تأسی و پیروی فردی و جمعی از ایشان باعث متجلی تربیت می شود(اعراف: ۹۶ اصول کافی: ج : ۹ : ۱۸۰؛ ج ۱۰: ۲۳۳)

(ب) سنت ها

- ۱) سنت ارسال رسل: وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ (یونس/۴۷)
- ۲) سنت هدایت و اضلال : وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (محمد/۱۷)
- ۳) سنت امتحان و ابتلا: أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (العنکبوت/۲)
- ۴) سنت پیروزی حق بر باطل: وَإِذْ يَدْعُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (الأنفال/۷)
- ۵) سنت نصرت الهی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد/۷)
- ۶) سنت امداد: كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (الإسراء/۲۰)
- ۷) سنت استخلاف: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (الأنبياء/۱۰۵)
- ۸) سنت استدراج: وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (الأعراف/۱۸۳-۱۸۲)
- ۹) سنت امهال: وَلَوْ يَأْخُذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (فاطر/۴۵)
- سنت مکر: اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرُ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر/۴۳) (به نقل از متفکر پیشین)

۸/۱۵- مبانی راه شناسی حکمرانی اسلامی

۸-۱- هدایت و سیردادن هستی ، انسان و افراد بسوی هدف غایی و الیه المتهی نیازمند قانون الهی(وحی) و مقامات و افراد ابلاغ کننده و تبیین کننده آن و مجریان درست آن نیازمند راهنمایان عالم و معصوم و سفارش دهندگان آنان هستیم میراث نبوی در تنظیم جامعه ی آرمانی امام زمان علیه السلام در واقع میراث نبوت است

۲-۸- اکنون که امام در غیبت کبری بسر می برد ولایت فقیه شعبه ای از ولایت ائمه‌ی اطهار (ع) که همان ولایت رسول الله (ص) می دانند. ولایت فقیه از جنس حاکمیت است حاکمیتی که آن را مجتهدی جامع الشرایط بر عهده دارد. شرایطی مانند: «اجتهاد مطلق»، «عدالت مطلق»، و «قدرت مدیریت و استعداد رهبری». یعنی از سویی باید صدر و ساقه‌ی اسلام را به طور عمیق و با استدلال و استنباط بشناسد و از سوی دیگر، در تمام زمینه‌ها، حدود و ضوابط الهی را رعایت کند و از هیچ یک تخطی و تخلف ننماید و از سوی سوم، استعداد و توانایی مدیریت و کشورداری و لوازم آن را دارا باشد و این شیوه‌ی هدایتی و حکومتی نیاز به قوانین و حقوق منبعث از فقه اسلامی و بر اساس فقه اسلامی در تربیت تحقق می یابد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران)

۹/۱۵- مبادی غایت شناسی حکمرانی اسلامی

۱-۹- در حکمرانی اسلامی اعتقاد به آخرت مفهوم مرگ را به درستی برای انسان حل می‌کند

۲-۹- در حکمرانی اسلامی در منطق دین، مرگ نقطه عطف زندگی و نه نقطه پایان آن است

۳-۹- «غایت گرایی»، «حیات طیبه»، «سعادت»، «کمال»، «فضیلت» و «خیر» محورهای مبادی و مبانی و اصول در حکمرانی اسلامی مطرح است (متفکر، ۱۳۹۷).

استنباط و نتیجه گیری:

۱- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفتی عمیق به توحید و خدا محوری، اساس و محور بنیادین حیات فردی

و اجتماعی مؤمنان است. الله معبود یکتا، علیم، حکیم، غنی، رب العالمین، رحمن، رحیم، هادی، شارع، تنها مالک

و حاکم مطلق هستی است که: عادل در تکوین، تشریع و سزادهی است؛ واسع، جبران‌کننده، روزی‌دهنده

مخلوقات، اجابت‌کننده دعاها و حاجت‌هاست؛ ولی مؤمنان، یاور مجاهدان راه خدا، حامی مظلومان، انتقام‌گیرنده از

ظالمان و وفاکننده به وعده خویش است. باعث ایمان قوی ایشان شده و دفاع از ارزشهای ناشی از آنها منجر به

تقویت حاکمیت مطلوب می شود

۲) حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفت عمیق به تفاوت‌های دو تمدن اسلامی و غربی در روش‌ها و

شیوه‌های معرفتی و منابع معرفتی خود را در حصار ابزار شناخت انسان مادی، معدود به حس و عقل «آن‌هم

عقل معاش و عقل حساب‌گر در محدوده حیات مادی محدود» نمی‌کند. از عقل معاد، که حجت و نبی درونی

انسان است، در اندیشه دینی علاوه بر حس و تجربه، از عقل و دل با کسب علم و معرفت و درک حقایق و رموز

عالم می‌شناسد. قلب مهم‌ترین ابزار شناخت است که با کسب تقوا و تهذیب و تزکیه آن، آمادگی و قابلیت کسب

فیض و نور معرفت می‌یابد. جامعه شیعی با اتکاء به تقوا و اخلاص، در عین استفاده و انتقال علوم و معارف تکنولوژی و تمدن غرب، می‌تواند از روش‌های اشراقی و الهام و معرفت قلبی، که خداوند معلم او شود « بهره برده و قوی‌تر از رنسانس غربی، شاهد تمدنی اسلامی باشد. اچنان‌چه متقین و صالحین با بینش توحیدی، از براق عقل و دل در طی جمیع روش‌های معرفتی به ویژه از روش اشراق و شهود باطنی استفاده و به تمام عوالم و منابع ادراکی و معرفتی بالاخص «ثقل اکبر» و «ثقل اصغر» رجوع نماید می‌تواند به پی‌ریزی و ایجاد بنای جدید معرفت، فرهنگ، تکنولوژی و تمدن اسلامی امیدوار باشد و بدین طریق خویشتن را از عالم ظلمات به سوی نور ارتقاء داده و ضمن تمهید مقدمات ظهور، آماده دریافت معرفت و حکومت مهدوی گردد. تنها با بینش الهی و معرفت شهودی و قلبی و رجوع به ثقلین، آن هم از سوی صالحان و پارسایان اهل علم و ولایت‌مدار، می‌توان به طراحی، ساخت و تولید نرم‌افزاری چشم امید داشت و مقدمات حکومتی جهانی بر اساس عدل و حقیقت را فراهم و زمینه‌های ظهور حضرتش را مهیا نمود

۳- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفت عمیق جهان‌شناختی به این که جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشت توحیدی دارد و مراتب روحانی، مادی، دنیوی و اخروی‌اش، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداوند است. نظام علی - معلولی بر جهان حاکم است. جهان مادی در طول عالم ماوراست و عوامل مؤثر در آن منحصر به علل مادی و طبیعی نیست. و جهان محل عمل و آزمایش و بستر تکامل و تعالی و یا سقوط معنوی اختیاری انسان است و بر اساس سنت‌های الهی به کردارهای آدمیان واکنش نشان می‌دهد. خداوند جهان مادی را در خدمت انسان که امانتدار و آبادکننده آن است، قرار داده که در صورت بهره‌برداری کارآمد و عادلانه، تأمین‌کننده نیازهای او است.

۴- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفتی عمیق انسان‌شناختی به این که هدف از آفرینش انسان، معرفت و عبادت پروردگار و در پرتو آن، دستیابی به مقام قرب و خلیفه‌اللهی است. و نیازمند انسان کامل است و حقیقت آدمی، مرکب از ابعاد فطری و طبیعی و ساحات جسمانی و روحانی است. بعد فطری او که ناشی از نفخه‌ی الهی است منشأ کرامت ذاتی و نیز برخورداری از اوصاف خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های متعالی است. و دارای کمال و سعادت اختیاری است که در صورت انتخاب‌های صحیح و در چارچوب تمسک به هدایت الهی و رشد عقلانی می‌تواند به مرتبه نهایی آن واصل شود انسان دارای حقوقی از جمله حق حیات معقول، آگاهی، زیست معنوی و اخلاقی، دینداری، آزادی توأم با مسئولیت، تعیین سرنوشت و برخورداری

از دادرسی عادلانه است. انسان موجودی اجتماعی است و تأمین بسیاری از نیازها و شکوفایی استعدادهای خود را در بستر تعامل و مشارکت جمعی جستجو می‌کند

۵- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفتی عمیق انسان‌شناختی به اصول مراتب انسانی

اصل یکم: جامعه انسانی. اصل دوم: حق مداری اصل سوم: حق محوری در جهان دانی، جهان داری و جهان آرای اصل چهارم: تمدن در آینه تدین. اصل پنجم: قانون شناسی منطبق بر تدین اصل ششم: مشروعیت تاسیس اصل هفتم: برهان عقلی. اصل هشتم: کلیت و دوام (جهان شمولی). اصل نهم: منابع غنی و مبانی قویم. اصل دهم: معمور سازی محیط زندگی. اصل یازدهم: حکمت نظری و حکمت عملی. اصل دوازدهم: استواری خلقت بر علم حصولی و حضوری. اصل سیزدهم: بالندگی فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و زیست محیطی. اصل چهاردهم: جهان دانی، جهان داری و جهان آرای به نام حق) و معیارهای انسان در قرآن: انسان به عنوان جانشین پرورگار دارای کرامت و ارزش و سعادت همگانی، با جلوه های کرامت علم به اسماء الله: امانت داری الهی، تسخیر کننده آنچه در زمین و آسمان است، بصیرت داشتن بر نفس خویشتن: موجودی دو ساحتی بودن، موجودی فنا ناپذیر، موجودی مختار بودن، موجودی تکامل پذیر، موجودی مکلف و با حقوق همچون حق حیات، حق کرامت، حق مساوات، حق آزادی، حق تعلیم و تربیت و حق مالکیت از دسترنج خود ساختارهای حکومتی را سازمان دهد.

۶- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفتی عمیق جامعه‌شناختی به این که: جامعه به عنوان بستر

تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضا نیست ولی می‌تواند به بینش، گرایش، منش، توانش و کنش ارادی آنها جهت دهد و از افراد به ویژه نخبگان اثر پذیرد. وساخت یافتگی جامعه عمدتاً مبتنی بر فرهنگ است که به مثابه هویت و روح کلی جامعه در اجزاء و عناصر خرد و کلان آن حضور دارد. جوامع با وجود پاره‌ای تفاوت‌ها، تحت تأثیر سنن الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر هستند. شماری از سنت‌های الهی حاکم بر جوامع و تاریخ عبارتند از: پیوند تحولات اجتماعی با نفس و اراده انسان؛ وفور نعمت در اثر تقوی، عدالت و استقامت؛ عذاب و کیفر جامعه در صورت گسترش ظلم، فساد، گناه و ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ امهال و استدراج و سلطه مؤمنان بر اهل باطل و تغییرات اجتماعی تحت

تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناورانه پدید می‌آید. جامعه دینی مبتنی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی است جهت‌گیری تاریخ به سوی آینده‌ای پیشرفته در تمام ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان و تقوا و رهبری امام معصوم (ع) است. و پیشرفت حقیقی با هدایت دین اسلام، رهبری پیشوای الهی، مشارکت و اتحاد مردم و توجه به غایت پایدار تحقق کلمه الله حاصل می‌شود. که هدف حکمرانی اسلامی است

۷- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفتی عمیق ارزش‌شناختی به این چهار ارزش‌ها ریشه در واقعیت دارند و اصول آن‌ها ثابت، مطلق و جهان‌شمول است و مبانی، اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت، و تفصیل آن از طریق کتاب و سنت قابل کشف است. ارزش‌ها در ساحت‌های ارتباطی انسان با خدا، خود، خلق و خلقت ساری است. و تحقق ارزش‌ها موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است.

۸- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفتی عمیق دین‌شناختی به این که دین، دستگاه جامع معرفتی - معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی آدمیان نازل شده است. دین کامل، جهان‌شمول و نهایی، اسلام است که بر نبی خاتم (ص) نازل و توسط آن حضرت ابلاغ و تفصیلات آن در سنت پیامبر و اهل بیت (ع) بیان شده است و اسلام با نظام هستی و سرشت انسان، هماهنگی دارد و نقش بدیل‌ناپذیری در تأمین نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی ایفا می‌کند. به همین جهت استطاعت کامل برای تمدن‌سازی و ارائه الگوی پیشرفت دارد. اسلام در چارچوب مبانی و اصولی ثابت و پایدار و بر مبنای اجتهاد در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و شریعت و توجه به عناصر انعطاف‌پذیر فقه اسلامی، توان پاسخگویی به نیازهای نوشونده زمانی و مکانی را دارد و خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی مورد تأکید اسلام است و وحی، مایه شکوفایی عقل محسوب می‌شود. از این رو تمدن‌سازی و فرهنگ مهدوی افزون بر تکیه بر اصول، ارزش‌ها و تعالیم اسلامی، مبتنی بر عقل و دانش بشری نیز هست.

۹- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفتی عمیق راه‌شناسی به این که برای هدایت و سیردادن هستی، انسان و افراد بسوی هدف غایی و الیه المنتهی نیازمند قانون الهی (وحی) و مقامات و افراد ابلاغ‌کننده و تبیین‌کننده آن و مجریان درست آن نیازمند راهنمایان عالم و معصوم و سفارش‌دهندگان آنان هستیم میراث نبوی در تنظیم جامعه‌ی آرمانی امام زمان علیه السلام در واقع میراث نبوت است. زیرا ایشان در ادامه‌ی اهداف و آرمان‌های بعثت‌ها

و نبوت های پیامبران الهی علیهم السلام مطرح هستند. جامعه ی مهدوی، یعنی آن دنیایی که امام زمان علیه السلام می آید تا دنیا را بسازد، همان جامعه ای است که همه ی پیامبران علیهم السلام برای تأمین آن در عالم ظهور کردند، یعنی همه ی پیغمبران، مقدمه بودند تا آن جامعه ی ایده آل انسانی، که بالاخره به وسیله ی ولی عصر و مهدی موعود علیه السلام در این عالم پدید خواهد آمد و پایه گذاری خواهد شد، به وجود بیاید... انبیای الهی علیهم السلام از آغاز تاریخ بشریت، یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را قدم به قدم به آن جامعه ی آرمانی و آن هدف نهایی نزدیک کنند ولی عصر علیه السلام میراث بر همه ی پیامبران الهی علیهم السلام است که می آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه ی الهی بر می دارد و اکنون که امام در غیبت کبری بسر می برد ولایت فقیه شعبه ای از ولایت ائمه ی اطهار (علیهم السلام) که همان ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) می دانند. این بدان معناست که حاکمیتی را که مجتهد جامع الشرایط در عصر غیبت عهده دار است و از آن به ولایت فقیه تعبیر می شود چیزی جدای از حکومت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) بر جامعه اسلامی در عصر خودشان نیست و با همان ساز و کار و به سوی همان هدف است؛ ولایت فقیه از جنس حاکمیت است حاکمیتی که آن را مجتهدی جامع الشرایط بر عهده دارد. مجتهد به کسی می گویند که توان استنباط احکام الهی را از منابع اصلی دین؛ یعنی قرآن و روایات داراست و مراد از جامع الشرایط مجتهدی است که فراتر از دانش فقه و توان استنباط دارای شرایط زیر باشد: «اجتهاد مطلق»، «عدالت مطلق»، و «قدرت مدیریت و استعداد رهبری». یعنی از سویی باید صدر و ساقه ی اسلام را به طور عمیق و با استدلال و استنباط بشناسد و از سوی دیگر، در تمام زمینه ها، حدود و ضوابط الهی را رعایت کند و از هیچ یک تخطی و تخلف ننماید و از سوی سوم، استعداد و توانایی مدیریت و کشورداری و لوازم آن را دارا باشد

۱۰- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفتی عمیق از سنت ارسال رسل، سنت هدایت و اضلال، سنت امتحان و ابتلا، سنت پیروزی حق بر باطل، سنت نصرت الهی، سنت امداد، سنت استخلاف، سنت استدراج، سنت امهال، سنت مکر نسبت به اعمال حاکمیت خود اقدام می نماید.

۱۱- حکمرانی اسلامی با داشتن بینش و معرفتی عمیق غایت شناختی به این که اعتقاد به آخرت، از چند جهت بر مقوله فرهنگ دفاعی و امنیتی مهدوی تأثیر می گذارد، یک جهت آنکه، مفهوم مرگ را به درستی برای انسان حل می کند در منطق دین، مرگ نقطه عطف زندگی و نه نقطه پایان آن است اما جهت دوم تأثیرگذاری «آخرت»، این است که اعتقاد به آن سرا، گاه مفهوم امنیت را متأثر از خود می کند و آن را به لحاظ مصداقی دستخوش تغییراتی می سازد. ملاک تقدم اهم که آخرت است بر مهم که دنیا است را در اختیار انسان قرار می دهد. اما جهت سوم و تأثیر

سومی که اعتقاد به آخرت بر برجای می‌گذارد، این محور «غایت گرایی»، «حیات طیبه»، «سعادت»، «کمال»، «فضیلت» و «خیر» محورهای اصلی غایت شناختی است.

منابع و مأخذ:

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه (غررالحکم ودررالکلم آمدی)

۳- امام علی (ع)، نهج البلاغه؛ مترجم: محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقی امیرالمومنین

۵- ---- اداره توسعه ایالات متحده آمریکا، ۱۹۹۷).

۶- ----- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۶- ---- برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷.

۷- پور آقایی، سپیده، ۱۳۸۳، شاخص های حکمرانی به روایت بانک جهانی، گزارش، ش ۱۵۴،

۸- جوادی آملی (ایه الله) ۱۳۹۱، "انسان کامل"

۹- خامنه ای (امام) کتاب مصاحبه ها، ۱۳۶۰: ۱۶۳.

۱۰- شاه آبادی، ابوالفضل و جامه‌ب زرگی، آمنه؛ نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه، در: فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول شماره ۲.

۱۱- طباطبایی، محمد حسین (علامه) المیزان، ج ۵، ۹.

۱۲- کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (Un escap)

۱۳- کافمن، کری و ماسترازی "سند بانک جهانی در سال ۲۰۰۶"

۱۴- کلینی، "اصول کافی، ج ۲، ۹، ۱۰، ۱۱.

۱۵- ---- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران

۱۶- متفکر، حسین، ۱۳۹۷ "مبانی و اصول اندیشه و نظریه دفاعی امام خامنه ای، دفتر مکتب دفاعی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی

۱۷- متفکر، حسین، ۱۳۹۷ " مبانی و اصول اندیشه و نظریه امنیتی امام خامنه ای دفتر مکتب دفاعی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی

۱۸- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، قم

۱۹- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، جهان بینی توحیدی، انتشارات صدرا، قم

۲۰- موسوی (امام) خمینی، صحیفه، ج ۵، ۷، ۱۱، ۱۹.

۲۱- موسوی (امام) خمینی "چهل حدیث (عقل و جهل)

۲۲- ناظمی اردکانی، محمد، ۱۳۸۷، حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶،

۲۳- نقیبی مفرد، حسام ۱۳۸۹، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی

۲۴- لنکرانی، محمدفاضل ۱۳۷۳، آیین کشورداری از نگاه امام علی (ع)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

یادآوری: همه مبانی از قرآن و منابع اسلامی استنتاج، استخراج، استنباط و استنتاج شده است اما نقل همه آنها مقدور نبود